

The Concept of Identity Politics and Criticism of Fukuyama's Approach on Contemporary Wanting Islam

Reyhaneh Sadat Raeis-Al-Sadati*

Phd Student of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran, r.r.sadati@ut.ac.ir

Hamid Parsania

Associate Professor, University of Tehran, Tehran, Iran, h.parsania@ut.ac.ir

Abstract

Purpose: To investigate the concept of social identity and then the postmodern concept of identity politics and to criticize Fukuyama's approach in examining Wanting Islam based on the concept of identity politics, so that one can understand the correct perspective of this concept in Islam.

Method: This research has been written using theoretical sources and rereading and analyzing them, and its method is a case library on the subject of identity and politics.

Findings: The concept of identity politics has recently received attention in the field of political and social thought in the West, and since this concept arose from the reality of the social identity of religious groups, especially Wanting Islam in Western societies, it was necessary to consider the concept of social identity as a driver of the thought of the effects of identity. Check on the policy. It has indicators such as similarity and difference, individual and collective identity, group identity and dialectic inside and outside, dynamic and fluidity of identity in the process of social identity production and reproduction. And issues such as identification and meaningfulness, predictability and the issue of confirmation and dignity are effective in the concept of identity politics. The indicator of this concept in the modern period is the issue of approval and seeking dignity to be recognized, and Wanting Islam is considered one of its examples. The theoretical challenge of research with Fukuyama's approach is to identity politics and the issue of Wanting Islam.

Conclusion: The issues of the effects of politics and identity mutually, criticism of Fukuyama's analysis of modern Wanting Islam with his views on liberal democracy, as well as the issue of the legitimacy of religious law and considering the social unit of the Ummah are the main results of the research.

Key Words: Social Identity, Identity Politics, Wanting Islam, Dignity, Fukuyama

Article type: Research

* Received on 12 March, 2023 Accepted on 5 August, 2023

Cite this article: Raeis-Al-Sadati & Parsania (2024) The Concept of Identity Politics and Criticism of Fukuyama's Approach on Contemporary Wanting Islam, Winter 2024, Vol.12, NO.4, 143-163.

DOI: 10.30479/psiw.2023.18545.3215

© The Author(s).



Publisher: Imam Khomeini International University.

Corresponding Author Reyhaneh Sadat Raeis-Al-Sadati (r.r.sadati@ut.ac.ir)

مفهوم‌شناسی سیاست هویت و نقد رویکرد فوکویاما در مورد اسلام‌خواهی معاصر

ریحانه سادات رئیس الساداتی *

دانشجوی دکتری، دانشگاه تهران، تهران، ایران، r.r.sadati@ut.ac.ir

حمید پارسانیا

دانشیار، دانشگاه تهران، تهران، ایران، h.parsania@ut.ac.ir

چکیده

هدف: بررسی مفهوم هویت اجتماعی و در ادامه آن مفهوم پسامدرن سیاست هویت و نقد رویکرد فوکویاما در بررسی اسلام‌خواهی بر اساس مفهوم سیاست هویت است تا بتوان زاویه نگاه درست به این مفهوم را در مورد اسلام دریافت.

روش: این پژوهش با استفاده از منابع نظری و بازخوانی و تحلیل آنها نگارش شده است و روش آن کتابخانه‌ای موردی در حوزه موضوع هویت و سیاست است.

یافته: مفهوم سیاست هویت اخیراً در حوزه اندیشه سیاسی و اجتماعی غرب مورد توجه قرار گرفته و از آنجا که این مفهوم از واقعیت هویت اجتماعی گروه‌های دینی به خصوص اسلام‌خواهان در جوامع غربی برآمده است، لازم بود مفهوم هویت اجتماعی نیز به عنوان پیش‌ران اندیشه تأثیرات هویت بر سیاست بررسی شود. شاخصه‌هایی نظیر شباهت و تفاوت، هویت فردی و جمعی، هویت گروهی و دیالکتیک درون و بیرون، پویا و سیال بودن هویت در جریان هویت اجتماعی تولید و بازتولید دارد. و موضوعاتی نظیر هویت‌یابی و معنابخشی، قابلیت پیش‌بینی و مسئله تأیید و کرامت را در حوزه اندیشه در سیاست هویت موثر است. شاخص مفهوم سیاست هویت در دوره مدرن، مسئله تأیید و کرامت‌خواهی برای به رسمیت شناخته شدن است و یکی از مصادیق آن را اسلام‌خواهی می‌دانند. چالش نظری تحقیق با رویکرد فوکویاما به سیاست هویت و مسئله اسلام‌خواهی است.

نتیجه‌گیری: موضوعات تأثیرات سیاست و هویت به صورت متقابل، نقد تحلیل اسلام‌خواهی مدرن فوکویاما با نظریاتش نسبت به لیبرال دموکراسی و همچنین موضوع حقانیت قانون دینی و با توجه به واحد اجتماعی کلان واژه امت نتایج اصلی تحقیق هستند.

واژگان کلیدی: هویت اجتماعی، سیاست هویت، اسلام‌خواهی، کرامت، فوکویاما.

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۲۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۵/۱۴
استناد: رئیس الساداتی و پارسانیا (۱۴۰۲)، مفهوم‌شناسی سیاست هویت و نقد رویکرد فوکویاما در مورد اسلام‌خواهی معاصر، زمستان ۱۴۰۲، دوره ۱۲، شماره ۴، پیاپی ۴۸-۱۴۳.



ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) حق مؤلف ©

مقدمه

سؤال «من کیستم؟» از زمانی که انسانها خود را زیر چرخ دنده‌های صنعتی شدن خردشده یافتند، مورد توجه قرار گرفت و این سرآغازی شد برای سؤال مهمتری که ما چه کسانی هستیم؟ گروهها و جوامع خود را در طوفان جهانی شدن گم کرده بودند و این زمینه‌ای شد برای اندیشیدن راجع به هویت اجتماعی تا واژگان جدیدی نظیر سیاست هویت در ادبیات علوم سیاسی و اجتماعی اروپا و امریکا پس از شکست تحرکات مارکسیستی در حوزه اقتصاد جای بگیرد و راجع به جایگاه و تأثیرات هویت در اجتماع در پی مطالبه سیاسی و تحرکات اجتماعی بر اساس شاخص‌های هویتی و مهاجرت مهاجران به این مناطق و تحرکات اجتماعی اقبال مختلف آنان به وجود آید. مفهوم سیاست هویت به عنوان جدیدترین مفهوم مورد استفاده در اندیشه اجتماعی در حوزه هویت سعی دارد مقوله هویت را در سیاست در نظر بگیرد. البته در آرای مختلف جایگاه و تصور میزان تأثیر هویت بر سیاست و حوزه آن متفاوت است. با این حال تا به امروز کشاکش میان شاخص‌های هویتی و قوانین محلی، ملی و منطقه‌ای و جهانی در تغییرات اجتماعی و جنبشها مهمترین مسائل جهان شده است و اندیشمندان را به ارائه راه حل سوق داده است.

یکی از مسائل مهم مورد توجه اندیشمندان هویت، میزان تحرکات و هویت خواهی اجتماعی و تأثیرات سیاسی مسلمانان در تحرکات اجتماعی قرن معاصر است. بسیاری از اندیشمندان، از وبر^۱ تا کاستلز^۲ و بسیاری دیگر نظیر اسپیزیتو^۳ و تا همین اواخر فوکویاما یکی از مسائل مهمشان تحلیل ویژگی‌های دینی و هویتی مسلمانان برای درک تحرکات ایشان بوده است. اندیشمندان متقدم نظیر وبر سعی در بررسی شاخصهای تاریخی و دینی اسلام نموده و و اندیشمندان متأخر مانند فوکویاما با رویکرد منفی به اسلام خواهی جدید و استفاده از واژه اسلام گرایی^۴ (فوکویاما، ۲۰۱۸) سعی در تحلیل هویتی شرایط مسلمانان به خصوص مهاجران اروپا دارند. تحلیل و نقد دیدگاه فوکویاما نسبت به اسلام خواهی با استفاده از نظریه وی در مورد لیبرال دموکراسی‌ها در بررسی تأثیرات مسلمانان و مهاجران قومیت طلب، راهگشا است.

در این مقاله ابتدا با در نظر گرفتن اندیشه مؤثرترین اندیشمندان به سیر تاریخی و نظری مفهوم هویت اجتماعی و موضوعات اساسی آن و همچنین سیاست هویت پرداخته می‌شود و سپس به نقد رویکرد فوکویاما در تحلیل سیاست هویت در مورد اسلام خواهی معاصر می‌پردازیم. اهمیت این تحقیق در بررسی آرای جدید و روز هویت اجتماعی و سیاست هویت است که ناگزیر درگیر مسئله اجتماعی مسلمانان می‌شود و به مبحث مهم هویت دینی مسلمانان گره خورده است و این ضرورت نظری برای تحلیل درست از جایگاه هویتی مسلمانان در دنیا امروز را بررسی مفهوم

1. Max Weber
2. Castells
3. Esposito
4. Islamism

سیاست هویت می‌رساند. از جهت دیگر عدم کاوش نظری مباحث سیاست هویت باعث عدم دریافت درست از فضای علمی و نظری اجتماعی در حوزه هویت شده و در عمل، برخورد و ارتباط مناسب اجتماعی با جوامع را دچار کژاندیشی خواهد کرد.

پیشینه

منابع موجود در مورد سیاست هویت در دو گروه قرار می‌گیرند: گروه اول کتب اندیشمندان در موضوع سیاست هویت بوده و گروه دوم بررسی سیاست هویت در موضوعات مختلف است که همگی مربوط به کمتر از ۲۵ سال اخیر است. از کتب مورد توجه تحلیلگران و ناقدان می‌توان به کتاب سیاست هویت مایکل کنی که در سال ۲۰۰۴ منتشر شده اشاره کرد که نظریه‌های سیاسی انگلیسی و آمریکایی راجع به موضوع سیاست هویت در جوامع لیبرال دموکراسی را بررسی کرده و نقد می‌کند. او منتقد نظریات کثرت‌گرایی فرهنگی است و مخالف نظریات افول قدرت لیبرال دموکراسی با شدت گرفتن هویت‌های جمعی و ضعف لیبرال دموکراسی است.

کتاب هویت فرانسیس فوکویاما که ۲۰۱۸ منتشر شد، به مسئله هویت و سیاست هویت می‌پردازد و حرکت‌های جدید اجتماعی در دنیا را برای به رسمیت شناخته شدن و کرامت خواهی هویت‌ها می‌داند و البته مانند مایکل کنی معتقد است اهمیت دادن به هویت‌ها باعث برهم ریختگی نظم سیاسی آمریکا می‌شود. او نسبت به حرکت‌های مسلمانان نیز بینش مثبتی نداشته و تحلیل ناقصی ارائه می‌دهد که در مقاله با توجه به نوشته‌هایش نقد می‌شود. این کتاب مهمترین کتاب حوزه سیاست هویت است که در ایران نیز سه بار ترجمه شده و مورد استفاده و نقد مقاله است. سیاست هویت، نام کتاب (کالهن^۱، ۱۳۸۹) است که به جمع‌آوری چند مقاله از نویسندگان دیگر، بدون نتیجه‌گیری پرداخته است و در میان این مقالات مقاله زارتسکی^۲ در فصل هفتم در تعریف سیاست هویت نکات قابل توجهی در مورد نظریه هویت و سیاست هویت در سه بعد را عرضه می‌کند (زارتسکی، ۱۳۸۹)؛ اما مقالاتی که به بررسی سیاست هویت در یکی از موضوعات اجتماعی پرداخته است، می‌توان به مقاله بررسی سیاست هویت در دوره معاصر ایران اشاره کرد که به بررسی میزان همگرایی سه‌گانه هویتی در ایران معاصر می‌پردازد و به دنبال به کارگیری واژه هویت سیاست با رویکرد تصمیم‌گیری سیاسی برای نمود یک جنبه خاص هویتی در دوره‌های مختلف ایران معاصر است. آنچه از مقاله به نظر می‌رسد به کارگیری واژه سیاست هویت با مفهوم تأثیرگذاری سیاست بر هویت است (بهستانی، ۱۳۹۳).

مقاله مهاجرت و سیاست هویت محور اروپایی به بررسی مشکلات مهاجران در اروپا می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که به دلیل پیری جمعیت در اروپا سیاستمداران مجبورند مهاجران را پذیرا باشند اما حاضر به پذیرش شرایط هویتی ایشان نیستند و آن را آسیب می‌دانند (مولایی، ۱۳۸۷).

1. calhoun
2. Eli Zaretsky

مقاله پروبلما‌تیک ایران: نظریه سیاست هویت در جریانهای فکری معاصر ایران با تمرکز بر آرای جواد طباطبایی نیز مقاله‌ای است که سعی کرده افکار سه متفکر آلمانی را در اندیشه سید جواد طباطبایی بیابد (شهسواری، ۱۳۹۸).

مقاله سیاست هویت از نگاه اسلام با رویکرد جهانی شدن نیز از مقالاتی است که به امکان جهانی شدن اسلام و شیوه به رسمیت شناختن هویت‌های داخل آن می‌پردازد و بر اساس دو نوع هویت محیطی و فلسفی شرایط را می‌سنجد و این امکان را برای اسلام قائل می‌شود که دین جهانی و البته با پذیرش هویت‌های گوناگون قومی باشد (فریادرس، ۱۳۹۴).

در این پژوهش‌ها به مفهوم‌شناسی هویت اجتماعی و سیاست هویت به صورت دقیق و مربوط به دوره متأخر نپرداخته و موضوع اسلام‌خواهی دوره معاصر مورد توجه قرار نگرفته بود. نوآوری این مقاله به بررسی مفهوم‌شناسی سیاست هویت و هویت اجتماعی به عنوان زیربنای آن و نقد تحلیل اندیشمندان سیاست هویت در مورد اسلام‌خواهی متأخر است.

هویت اجتماعی

واژه هویت^۱ در کمتر از سیصد سال گذشته مورد استعمال واقع شده و ابتدا در حوزه فردی و سپس حوزه اجتماعی در دوره مدرن مورد توجه بسیاری از اندیشمندان قرار گرفته است؛ اما از دیر باز این مفهوم در قالب مفهوم ماهیت، نزدیک به استعمال کنونی هویت قرار داشته و پرسش از کیستی اجتماعی و وحدت با خودی و غیریت با دیگری مطرح بوده است. امروزه هویت گاهی به مقولات اجتماعی و نقش‌ها اشاره دارد و گاه به دانسته‌های اساسی و بنیادین یک فرد درباره خودش، که در این صورت اگر هویت را به همین معانی بگیریم، همیشه وجود داشته است (دیفرون^۲، ۱۹۹۹).

به لحاظ لغوی هویت از واژه Identitas مشتق شده و به دو معنای متفاوت، که یکی همسانی و یکنواختی و... است و دیگری تمایز در برگیرنده ثبات یا تداوم در طول زمان است، اطلاق می‌شود. این دو معنای متضاد در واقع مکمل یکدیگر در معنای هویتند (گل محمدی، ۱۳۹۶: ۲۲۲). بنابراین، مفهوم هویت به معنای اصطلاحی آن، میان افراد، دو نسبت محتمل را برقرار می‌سازد: از یک سو شباهت و از سوی دیگر تفاوت (جنکینز، ۱۳۸۱: ۳۰)؛ به دیگر سخن، هویت مرکب از جنس وجه اشتراک و فصل وجه افتراق است (نوجه فلاح، ۱۳۸۳: ۲۷). به همین دلیل هویت ممکن است برای ایجاد اختلاف مورد بهره برداری قرار گیرد ولی همچنین می‌تواند برای همگرایی استفاده شود (فوکویاما، ۱۳۹۸: ۱۷۸). یکی از موضوعات ابتدایی در پرداختن به امر هویت مسئله هویت فردی و اجتماعی است. برخی از نظریه‌پردازان شخصیت و روان‌شناسان، هویت را امری فردی می‌دانند. ایشان در تعریف هویت، احساس تمایز شخصی، احساس تداوم

1. Identity.

2. Deafron

شخصی و احساس استقلال شخصی را شاخص قرار می‌دهند (جاکوبسن^۱، ۱۹۹۸: ۹)؛ اما اکثریت اندیشمندان بستر شکل‌گیری هویت را زندگی جمعی دانسته و درعین قبول داشتن این موضوع که هویت در یک دیالکتیک میان فرد و جامعه ایجاد می‌شود، معتقدند هویت اجتماعی نمودیافته در شخصیت، جدا از دنیای اجتماعی دیگر افراد، معنایی ندارد به طوری که کاستلز هویت را مربوط به متن و زمینه اجتماعی می‌داند (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۷)؛ به عبارتی فرد بی‌همتا و متغیر است اما شخصیت او کاملاً به صورت اجتماعی و به واسطه مراحل مختلف اجتماعی شدن و در کنش اجتماعی شکل می‌گیرد (جنکینز، ۱۳۸۱: ۲۰).

هربرت مید^۲ به عنوان پرچمدار مفهوم هویت اجتماعی تصویر فرد از خود را به نوعی بازتاب نگرش دیگران دانسته است. (مید، ۱۹۶۴: ۲۲۲). پس از او تاجفل^۳ هویت اجتماعی را در پیوند با هویت گروهی نشان داده و سه عنصر شناختی، ارزشی و احساسی را برگرفته از عضویت فرد در گروه معرفی می‌کند (تاجفل، ۱۹۷۸: ۶۳) اما با گذر زمان آنچه در ادبیات نظری راجع به هویت مورد توجه قرار گرفت هویت گروه و هویت جمع، در هم تنیده و البته مستقل از هویت‌های فردی بود. جنکینز با بیان اینکه فرد و جمع به طور عادی در هم تنیده هستند و تعیین هویت فردی و جمعی تنها در تعامل به وجود می‌آید و هویت فردی بر اختلاف و هویت جمعی بر شباهت تأکید دارد (جنکینز، ۱۳۸۱: ۳۰) معتقد است که هویت گروه محصول دریافت درونی جمعی است (جنکینز، ۱۳۹۶: ۱۲۹). این دریافت مدام در حال تولید و بازتولید است و بر شباهت‌های درونی و تفاوت‌های بیرون از گروه تأکید دارد که این امر باعث سازگاری و دنباله‌روی اعضا می‌شود و پایداری جمعی و انسجام گروه را در پی دارد.

در تعریف هویت گروهی و یا جمعی که بیشتر با عنوان اجتماعی از آن یاد می‌شود، مجموعه خصوصیات و مشخصات اساسی اجتماعی، فرهنگی، روانی، فلسفی، زیستی و تاریخی است که به رسایی و روایی بر ماهیت یا ذات گروه، به معنای یگانگی یا همانندی اعضای آن بر یکدیگر دلالت میکند و آنان را در یک ظرف زمانی و مکانی معین، به طور مشخص قابل قبول و آگاهانه از سایر گروه‌ها و افراد متعلق به آنها متمایز می‌سازد (الطایبی، ۱۳۷۸: ۱۳۸). جنکینز هویت را معانی ذهنی شامل ارزش‌ها، اعتقادات، هنجارها، نمادها، طرز تلقی‌ها و آگاهی‌های مختص به یک خود فردی یا اجتماعی و احساس تعلق و تعهد نسبت به آن خود می‌داند (جنکینز، ۱۳۸۱: ۳). او برای نشان دادن تأثیرات هویت اجتماعی از سه نظم فردی، تعاملی و نهادی نام می‌برد که نظم فردی عبارت است از جهان انسان آنگونه که از افراد جسمانی و آنچه در ذهن آنها می‌گذرد تشکیل شده است. نظم تعاملی از جهان انسان آنگونه که در روابط بین افراد و در آنچه میان آنها جریان دارد ساخته شده است. نظم نهادی عبارت است از جهان انسان که از الگوها، سازمان‌ها

1. Jacobson
2. Mead
3. Tajfel

و شیوه‌های جا افتاده عمل تشکیل شده است (جنکینز، ۱۳۸۱: ۳۲). آنچه در مباحث اجتماعی بسیار حائز اهمیت است نظم جهان انسان و نظم جهان تعاملی است که خود را در اجتماعات و گروه‌ها بروز میدهد.

برخی اندیشمندان در تعریف هویت اجتماعی از موضوع به رسمیت شناخته شدن استفاده می‌کنند تا جایی که هگل موتور محرک تاریخ بشر را با توجه به مفهوم شناخت^۱ مبارزه برای به رسمیت شناخته شدن پیوند می‌زند (فوکویاما، ۱۳۹۸: ۱۳۳). فوکویاما نیز هویت را با نیاز به بازشناسی یا به رسمیت شناخته شدن از سوی دیگران و جامعه پیوند می‌دهد. او معتقد است وقتی هویت فردی یا گروهی انکار یا تحقیر می‌شود به این معناست که موجودیت آن فرد یا گروه زیر سؤال می‌رود و پذیرفته نمی‌شود. چنین وضعیتی حتی اگر فرد در رفاه اقتصادی باشد برای او قابل تحمل نیست. فوکویاما پیامد هویت اجتماعی را احساساتی شبیه به مباحثات، شرم و ترس می‌داند (فوکویاما، ۱۳۹۸: ۱۳۳).

موضوعات محوری هویت اجتماعی

در مفهوم هویت اجتماعی موضوعات محوری به عنوان تعیین کننده چگونگی شکل‌گیری و تداوم هویت اجتماعی وجود دارد که در نهایت منجر به شاخص‌سازی و مقوله‌بندی برای شناخت بهتر این مفهوم می‌شود. در اینجا با توجه به نظر اندیشمندان، موضوعات با محوریت هویت‌یابی، معناسازی، سیال بودن و پایداری و قابلیت پیش‌بینی، مسئله تایید و کرامت^۲ به صورت مختصر بیان می‌شود.

هویت‌یابی^۳ یکی از مسائل مهم برای فرد و گروه و اجتماعات است. برقراری ارتباط دیالکتیک میان درون و برون گروه یا فرد نشان می‌دهد هویت‌یابی یک جانبه نبوده و در داد و ستد درون مرزهای گروه شکل می‌گیرد و در طول این دادوستد تعادل میان تعیین هویت گروه (درونی) و مقوله‌بندی توسط دیگران (بیرونی) ایجاد می‌شود (جنکینز، ۱۳۸۱: ۳۹). اینکه دیگران مهم چه جنبه از هویت گروه را مورد توجه قرار دهند از مسایل مهم هویت‌یابی و همان جنبه بیرونی و مقوله‌بندی دیگران از گروه است که در واقع افراد و گروه‌های مقوله‌بندی کننده روی دیگر سکه هستند که مقوله‌بندی برای افراد مقوله‌بندی کننده ممکن است بیشتر از آنهایی که مقوله‌بندی می‌شوند اهمیت داشته باشد (جنکینز، ۱۳۸۱: ۱۳۴). هویت‌یابی زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که در فرایند تربیت نیروی جدید و عضوگیری گروه‌ها و جوامع و تربیت نسل چگونه سازگاری میان بیرون و درون گروه در فهم از هویت اجتماعی گروه حاصل شود.

1. recognition

۲. dignity

۳. Identification

فرایند معنابخشی یا معناسازی هویت، یکی دیگر از مباحث کلیدی در مفهوم هویت اجتماعی است که بر اساس یک ویژگی فرهنگ و مجموعه بهم پیوسته از ویژگی‌های فرهنگی که بر منابع معنایی دیگر اولویت داده می‌شود، قرار دارد. برای هر فرد خاص یا برای هر کنشگر ممکن است چندین هویت وجود داشته باشد اما این کثرت برای خود بازنمایی و کنش اجتماعی سرچشمه تنش و تناقض است (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۳)؛ به عبارت دیگر کاستلز هویت را سازمان دهنده معنا می‌داند همان طور که نقش را سازمان دهنده کارکرد می‌داند. معنا حول یک هویت اساسی سازمان می‌یابد یعنی هویت که دیگر هویت‌ها را در قالب‌ها و چارچوب‌ها قرار می‌دهد. این امر زمانی اهمیت می‌یابد که در تحلیل شاخصهای مختلف هویتی هر گروه یک ویژگی مانند ملیت یا دین بقیه شاخصها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در کنار معنابخشی، باید سیال بودن هویت را نیز در نظر داشت. از نظر اندیشمندان اجتماعی اگرچه مای هویت جمعی به شدت قدرتمند است اما همواره شکننده احتمالی و آسیب پذیر است (ترنر، ۱۹۷۴: ۱۱۹) و انسان‌ها زندگی را به صورت یک سری گذار از یک هویت به هویت‌های دیگر سپری می‌کنند. (گنپ، ۱۹۶۵) در این گذار ابتدا از هویت کنونی خود جدا شده سپس طی مرحله گذار تأیید اجتماعی هویت جدید را کسب می‌کند و در آن تداوم می‌یابد (جنکینز، ۱۳۸۱: ۲۸۸) و بر همین اساس دست به گسترش هویت به صورت طولی و عرضی می‌کند.

جنکینز^۱ در این رابطه به موضوع مهم قابلیت پیش‌بینی رفتار گروه در یک فرایند انسجام و سازگاری و دنباله‌روی و معنابخشی اشاره می‌کند که به دنبال خود قابلیت پیش‌بینی عمل و رفتار بر اساس هویت را ایجاد می‌کند. نتیجه اجتماعی سازگاری و دنبال روی، تلاش برای قابل پیش‌بینی ساختن تعامل (جنکینز، ۱۳۸۱: ۱۹۴) ما دارای یک احساس بین ذهنی از پیش‌بینی پذیری جهان و به نوعی مقوله‌بندی انسان هستیم که بر اساس پیش‌بینی از میزان پایداری و بازتولید هویت به دست می‌آید.

یکی دیگر از نکات مهم در رابطه با هویت گروهی مسئله تأیید است که با احتساب و مسئله عقلانی‌سازی ارتباط دارد. باید توجه شود انواع عضویت بازتاب منابع متفاوت از اقتدار مشروع هستند (ویر، ۱۹۷۸). تأیید ریشه در ادراک سنتی مشروعیت و عقلانی‌سازی ویژه در مشروعیت قانونی عقلانی دارد. مصداق تأیید را می‌توان در مراسم‌های مذهبی ورود به دین مسیحیت یا خواندن اذان و اقامه در گوش نوزاد دید. مسئله تأیید در مرتبه نازل هویت‌های اجتماعی در مواجهه با دیگران رخ می‌دهد اما در پی تلاش هویت برای به رسمیت شناخته شدن، شاخص کرامت مطرح می‌شود. شاخص کرامت در مرتبه بالاتر از مسئله تأیید قرار دارد. از منظر فوکویاما هویت به دنبال خود ارزشمندی و کرامت و نوع بشر در پی به رسمیت شناخته شدن است. مفهوم مدرن هویت تلفیقی از سه پدیده متفاوت است اول جنبه عام از شخصیت بشر است که می‌خواهد

۱. Jenkins

به رسمیت شناخته شود. دومی تمایز میان خود درونی و بیرونی و ارزشمندتر شدن تدریجی خود درونی در مقایسه با جامعه بیرونی است و بالاخره سومی مفهوم در حال تکامل از کرامت است که بر اساس آن ارزشمند بودن فقط برای طبقه محدود و خاصی از مردم نیست، بلکه در مورد همگان به رسمیت شناخته می‌شود. فراگیر و عام شدن فکر کرامت خواهی جستجوی شخصی خویشان را به یک پروژه سیاسی تبدیل می‌کند (فوکویاما، ۱۳۹۸: ۴۹).

همین امر در گروه‌های کوچک و بزرگ زمانی که تمایل به رسمیت شناخته شدن در جمع دیگران دارد، مصداق می‌یابد. در ادامه گروه در یک خودبرتری نسبت به دیگران قرار می‌گیرد و انتظار دارد دیگران نیز این برتری را به رسمیت بشناسند.

سیاست هویت^۱

در حدود ۳۰۰ سال پیش که واژه هویت به عنوان کیستی فرد مطرح شد، اندیشمندان غرب معتقد بودند که هویت امری فردی است؛ اما با گذشت زمان به بررسی تأثیر عوامل اجتماعی بر هویت نیز پرداختند و مسئله انتسابی و اکتسابی بودن عوامل هویت بخش اهمیت یافت. آن زمان ارتباط میان هویت و سیاست مطرح نبود بلکه آنچه مورد نظر اندیشمندان بود، تعریف انسان‌ها از خود و ارتباط با محیط پیرامونی به عنوان مفهوم هویت بود. در طول زمان بستر افکار اندیشمندان به سمت اجتماعی بودن امر هویت پیش رفت تا آنجا که امروز بحث از ارتباط میان هویت و سیاست و تأثیرگذاری هویتها بر سیاست‌هاست.

با گذر از نظریات فردگرایانه و مطرح شدن هویت اجتماعی، اندیشمندانی همچون گیدنز و تاجفل به دنبال نشان دادن نحوه و میزان تأثیرگذاری جامعه بر هویت فردی و گروهی بودند؛ اما با روی کار آمدن نمونه‌های لیبرال دموکراسی و همچنین جنبش‌های اجتماعی ۱۹۶۰ به بعد شاهد تلاش فکری در جهت اثبات به رسمیت شناخته شدن هویتها در جامعه و سیاست و تأثیرات هویت بر سیاست در حوزه اندیشه هستیم. واژه سیاست هویت نیز از دهه ۷۰ در مباحث سیاست فرهنگی مطرح شد که بیشتر به دنبال سازماندهی عمومی و خصوصی جمع‌ها بود (زاتسکی، ۱۳۸۹: ۲۰۶). سیاستی که در آن افراد خواهان به رسمیت شناخته شدن علنی ارزش و اعتبار خود می‌شوند (فوکویاما، ۱۳۹۸: ۲۵).

مبارزه برای به رسمیت شناخته شدن هویتها موضوعی است که هگل به عنوان پیش برنده نهایی تاریخ بشری که نقش کلیدی و محوری دارد، مطرح می‌کند (فوکویاما، ۱۳۹۸: ۲۵) و البته فوکویاما بخش‌های بزرگی از مبارزات سیاسی و جنبش‌های اجتماعی از انقلاب فرانسه تا کنون را تقاضا برای به رسمیت شناخته شدن کرامت بنیادین فرد دانسته که در کانون جنبش‌های دموکراتیک قرار دارد (فوکویاما، ۱۳۹۸: ۵۸). وی معتقد است، انقلاب فرانسه زمینه ایجاد دو جریان به رسمیت

۱. identity politics

شناخته شدن کرامت فرد و جریان به رسمیت شناخته شدن جمع را ایجاد کرد که بعدها مسئله سیاست هویت از دل به رسمیت شناخته شدن و کرامت‌خواهی جمعی بیرون آمد (فوکویاما، ۱۳۹۸: ۶۰).

نکته بسیار مهم این است که دستاورد جدید تحقیقات اندیشمندان نشان می‌دهد سیاست نه تنها بر هویت مؤثر بوده بلکه هویت نیز بر سیاست مؤثر است. این دو در یک رابطه متقابل به سر می‌برند و البته به طور واضح می‌توان تأثیرات این ارتباط متقابل را در هویت‌های فردی نیز مشاهده نمود. از منظر هوریتز کرامت گروهی جنبش‌های قومی در جهان نشان داده است خودباوری و عزت نفس فردی با شأن و منزلت گروهی که افراد عضو آن هستند نسبت دارد؛ یعنی امر سیاسی امر شخصی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (هوریتز، ۱۹۸۵: ۴۱-۴۳).

واژه سیاست هویت در دهه‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ در مباحث سیاست فرهنگی مطرح شد که به دنبال تأثیرات هویت بر روی فرایندهای سیاسی است. از نظر فوکویاما گروه‌های بزرگ و کوچک هویت‌های متنوعی دارند و معتقدند هویتشان به قدر کافی توسط جهان خارج یا اعضای دیگر همان جامعه به رسمیت شناخته نمی‌شود. این هویت‌های متنوع بسته به ملت و مذهب و قومیت جلوه‌هایی از یک پدیده مشترک به نام سیاست هویت هستند (فوکویاما، ۱۳۹۸: ۱۲). در واقع معنای هویت به سمت سیاست تکامل می‌یابد و گروه‌ها خواهان به رسمیت شناخته شدن علنی ارزش و اعتبار خود می‌شوند. برای همین است که زارتسکی معتقد است سیاست‌های مربوط به هویت را باید در جایگاه تاریخی خور بررسی کرد (کاستلز، ۲۰۰۳: ۲۷).

فوکویاما معتقد است سیاست هویت بخش‌های بزرگی از مبارزات سیاسی دنیای کنونی از انقلاب‌های دموکراتیک تا جنبش‌های اجتماعی و همچنین ناسونالیسم و گرایش به اسلام و حتی سیاست‌های مختلف محلی و صنفی را در بر می‌گیرد (فوکویاما، ۱۳۹۸: ۲۵). سیاست هویت پیش‌رانه اصلی بسیج‌های مردمی پس از این خواهد بود و موضوعاتی از قبیل آزادی، برابری، ناسیونالیسم و اسلام‌خواهی در رابطه مستقیم با مسئله به رسمیت شناخته شدن و کرامت هویت‌های اجتماعی قرار دارند. به صورتی که یکی از مسائل مهم در رابطه با به رسمیت شناخته شدن جمعی و تأثیرگذاری بر سیاست، مسئله آزادی و برابری است که مبنای اصلی لیبرال دموکراسی‌ها و یکی از بنیانهای سیاسی امروز دنیاست و همه جوامع و سیاستها با خط کش آن ارزیابی می‌شوند. در نگاه ابتدایی بیشتر آزادی را آزادی فرد از بند اجتماعی و تأکید بر حقوق فردی دانسته که به دنبال آن جوامع لیبرال به وجود آمدند که در صدد گسترش خود مختاری فردی بودند.

اینجا سؤال می‌شود که خود مختاری فردی تا کجا امکان بروز دارد. در جواب این سؤال دو واقعیت بزرگ وجود دارد. اول اینکه فرد از جامعه تأثیر بسیاری می‌پذیرد و انتخاب‌های او منبعت از جامعه و سیاست‌های کلان آن است و مسئله دیگر اینکه وقتی یک افق اخلاقی مشترک فرو می‌ریزد جای خود را به معجونی از سامانه‌های ارزشی رقیب می‌دهد. به زعم فوکویاما بسیاری

از مردم از آزادی انتخاب جدیدشان احساس ناامنی و از خود بیگانگی می‌کنند که همین احساس ناامنی، در تفکر دورکیم در مبحث آنومی و تأثیرات آن بر خودکشی‌ها به خوبی نشان داده می‌شود. فوکویاما معتقد است که این احساس از خود بیگانگی، باعث بحران هویت و احساس سرگشتگی شده و فرد را هر چه بیشتر به سمت تعلق گروهی می‌کشاند. در واقع این بحران هویت بر عکس فردگرایی، انسان را به سمت جستجوی هویت مشترک می‌برد (فوکویاما، ۱۳۹۸: ۶۶).

از همین رو در اوایل قرن نوزدهم سیاست به رسمیت شناخته شدن و کرامت به یک دوراهی رسیده بود. یک شاخه به سمت شناسایی عام حقوق فردی و به تبع آن ظهور جوامع لیبرال و خودمختاری افراد تمایل می‌یافت و شاخه دیگر تأکید بر هویت جمعی که ناسیونالیسم و دین سیاسی شده دو نمونه بارز آن هستند. در جهان اسلام معاصر نیز، مسلمانان خواهان به رسمیت شناخته شدن موقعیت خاص این دین به عنوان پایه و اساس اجتماع سیاسی هستند (فوکویاما، ۱۳۹۸: ۶۷). روسو نیز به دوگانگی ناسیونالیسم و فردگرایی معترف بوده زیرا پیدایش ناسیونالیسم و دیگر اشکال جمع‌گرایی‌های متحدکننده نیز بر به رسمیت شناخته شدن جمعی بر پایه ملت یا موضوعات دیگر مانند نژاد و جنسیت تأکید دارد.

بازخوانی رویکرد فوکویاما در مورد لیبرال دموکراسی

فوکویاما تأکید می‌کند که دو هسته اخلاقی آزادی و برابری که اصلی‌ترین عناصر لیبرال دموکراسی هستند با هم تزاخم دارند و آزادی بیشتر به نابرابری می‌انجامد و برابری به نفع آزادی طبقه بالادست نادیده گرفته می‌شود. او همین امر را دلیل کرامت‌خواهی و ایجاد دغدغه هویت اجتماعی می‌داند که خود را در جنبش‌های سیاهپوستان، کارگران و... در قرن بیستم نشان می‌دهد. این جنبش‌ها را می‌توان نتیجه آزادی برای طبقه مرفه و نبود برابری اجتماعی دانست.

از نظر فوکویاما در قرن بیست و یکم آنچه خود را به جای طبقه اقتصادی مؤثر در سیاست نشان داد، ملیت و نژاد و دین و جنسیت بود که عناصر هویت اجتماعی هستند. کرامت‌طلبی یا منزلت‌خواهی چه به صورت برابری جویانه و چه برتری خواهانه، مبنای بسیاری از تحرکات و جنبش‌های اجتماعی شده است که تأثیر هویت بر سیاست را نشان می‌دهد. در این فضا افراد صرفاً به دنبال به رسمیت شناخته شدن فردیشان نبودند بلکه می‌خواستند شباهت و همسانی آنها با یکدیگر نیز به رسمیت شناخته شود. در نتیجه سیاست هویت مبارزه‌ای برای به رسمیت شناخته شدن کرامت است (فوکویاما، ۱۳۹۸: ۸).

فوکویاما معتقد است در دهه‌های آخر قرن بیستم که اصلاحات بزرگ اتفاق نیفتاد، گروه‌های چپ به جای مسئله طبقه و اقتصاد به فرهنگ روی آورده و مبحث چند فرهنگ‌گرایی به میان آمد. زمانی که سیاست چند فرهنگ‌گرایی در جوامع به گوش می‌رسد نشان از برنامه‌ای سیاسی دارد که می‌خواهد به همه فرهنگ‌ها و تجربه‌های زیستی مخصوصاً آنهایی که در گذشته، نامرئی

یا کم ارزش تلقی می‌شدند ارزش یکسان بدهد حتی اگر با این سیاست خودمختاری افراد وابسته خود را محدود می‌کردند (فوکویاما، ۱۳۹۸: ۱۱۶).

پس هویت‌های جمعی برای به رسمیت شناخته شدن خود را به عرصه تصمیم‌گیری سیاسی رسانده و ماهیت لیبرال دموکراسی عجین شده با آزادی فردی را تحت تأثیر قرار دادند. سیاست هویت در واقع واکنشی نسبت به نابرابری ایجاد شده در سیاست و فرهنگ لیبرالیسم است که البته تهدیدی برای او نیز محسوب می‌شود.

نقد رویکرد فوکویاما در سیاست هویت اسلامی

جهان پست مدرن که جهانی متکثر و با به رسمیت شناختن هویت‌های متفاوت و سلايق گوناگون است سالهاست نظم دیکته شده را نامعتبر کرده و به همین دلیل اندیشمندانی نظیر فوکویاما تلاش می‌کنند با تحلیل شرایط کنونی جهانی چالش پیش آمده برای لیبرال دموکراسی‌ها که نظم سیاسی دیکته شده‌ای را در خود پنهان نموده‌اند، حل کنند. فوکویاما با تحلیل مسئله به رسمیت شناخته شدن و کرامت‌خواهی هویت‌ها در قالب سیاست هویت به بررسی شرایط لیبرال دموکراسی‌ها می‌پردازد اما برقراری نظم را در گرو کم‌رنگ شدن هویت‌ها در قبال چارچوب‌های قانونی نظام امریکا قلمداد می‌کند (فوکویاما، ۱۳۹۸: ۱۶۸) و البته یکی از مهم‌ترین مسائلی که این تسلط را مدام دچار چالش می‌کند اسلام‌خواهی می‌داند که به دنبال کرامت از دست رفته خویش است. با توجه به ایده خود فوکویاما مبنی بر کاستی و ذبح ارزش برابری در مقابل آزادی آن هم برای طیف قدرتمند لیبرال دموکراسی‌ها به نظر می‌رسد به جای حذف یا نادیده‌انگاری هویت‌های چندگانه ابتدا لازم است جهان امروز لیبرال دموکراسی ناکاستی‌های ارزشی خود را حل کرده و این امر بدون در نظر گرفتن اصول اساسی و بنیادین که همانا آزادی و برابری بود ممکن نیست. به اذعان فوکویاما مذهب و ملی‌گرایی دو نیروی سیاست جهانی هستند که از بین نخواهند رفت (فوکویاما، ۱۳۹۸: ۱۴) و برابری پای آزادی گروه‌های قدرتمند در لیبرال دموکراسی ذبح شده است (فوکویاما، ۱۳۹۸: ۵۷).

آزادی و برابری و آزادی برابر برای همه اقشار جامعه درد درونی است که لیبرال دموکراسی را از هویت ذاتی خویشتن جدا نموده و باعث ظلم به هویت‌های چندگانه شده است و مصادیق آن را در کشتار سیاهپوستان در امریکا و ظلم به مسلمانان در اروپا به خصوص فرانسه شاهد هستیم. لذا لازم است لیبرال دموکراسی‌ها برای بقای خود از اعتبار هویتی سفید پوست، لایبیک و مسیحی خارج شده و هویت را در قانون‌گذاری به رسمیت بشناسند. کاستلز نیز در تحلیل خود هویتی که فعالیت سیاسی مسلمانان را در دو قرن اخیر بر ساخت می‌شود بازگشت به سنت نیست بلکه به

تعبیر العزمه^۱ اختراع هویت فرامدرن است که در پاسخ به ناکامی‌های سیاست‌های جهانی و ملی‌گرایانه به وجود آمده است (کاستلز، ۱۳۸۰: ۳۳).

نکته دیگر آن است که اندیشمندان اجتماعی و سیاسی از جمله فوکویاما در تحلیل ادیان به خصوص ادیان الهی لازم است به آموزه‌های آن دین دقت کافی را داشته باشند تا مسئله «کدام مردم^۲» را دقیق‌تر بررسی کنند. ادیان الهی مانند اسلام ادعای حقایق دارند. حقایق نیز در عرصه اجتماعی خود را به صورت قوانین شرعی نشان می‌دهد و هویت هم‌کیشان را هویت بحق می‌داند. به همین دلیل از منظر هر کدام از این ادیان، مردمشان بر حق هستند و قانون برحق نیز وابسته به نوع گرایش دینی است. در اسلام نیز مسئله مردم بودن مهم‌ترین واحد اجتماعی را تشکیل می‌دهد که همانا امت است و عملیات و تحرک اجتماعی بر اساس هویت دینی اعتبار می‌یابد.

مفهوم امت^۳ یک واحد کلان هویت اجتماعی است که در مبانی اجتماعی اسلام به صورت کامل تعریف شده و عاقبت، کارنامه و فعالیت مخصوص به خود را دارد. باید توجه کرد که پیوند اجتماعی جزء اصول بنیادین هویتی اسلام بوده است و تحلیل اجتماعی تحرکات مسلمانان بر اساس مسئله به رسمیت شناخته شدن و کرامت بدون در نظر گرفتن شاخص‌های اجتماعی اسلام امری غیر علمی بوده و تقلیل ارزشهای اجتماعی هویت اسلامی را در تحلیل به دنبال دارد.

برخورداری از کرامت در میان گروه‌های دیگر برای اثبات هویت مسلمانان امری حاشیه‌ای است. مفهوم امت واحد اجتماعی کلان اسلامی است که مسلمانان خود را به محض ورود به اسلام عضوی از آن تلقی نموده و امکان حرکت و بروزات اجتماعی را ایجاد می‌کند. البته باید توجه داشت که دیگر ادیان زنده دنیا مفهومی مانند امت در این ابعاد وسیع مفهومی اجتماعی با عمل و فعالیت مشترک در منابع اصیل خود ندارند و امکان حرکت سیاسی و اجتماعی هماهنگ را برای ایشان فراهم نمی‌کند. انقلاب ۱۹۷۹ اسلامی ایران و تداوم آن و حمایت از مسلمانان نیز شاهد مثال معتبری در جهت اثبات تغییرات اجتماعی بر اساس سیاست هویت دینی است.

در آخر باید متذکر شد ضمن توجه به مسئله سیاست هویت و تأثیر گذاری مستقیم هویت بر تحرکات اجتماعی، برای تحلیل درست آنچه به عنوان بررسی جنبشها و تغییرات اجتماعی بر اساس سیاست هویت لازم است در نظر گرفته شود توجه به ارزشهای هویتها و ساختارها و نهادهای درونی ادیان و اقوام برای شاخص سازی درست و کامل است تا مانند فوکویاما دچار تقلیل ارزشی هویتهای اجتماعی نشویم.

۱. عزیز العزمه

2. who the people are?

3 ummah

اندیشه سیاست هویت اسلام در دوره مدرن

در دوره مدرن اسلام‌خواهی به عنوان مبنای سیاست و قانون قرار گرفتن دین اسلام یکی از مسائل مهم اجتماعی برای اندیشمندان است. به گفته یانگ برآوردهای بین‌المللی نشان می‌دهد که اسلام دومین دین بزرگ جهان پس از مسیحیت است و در واقع سریع‌ترین دین در حال رشد در جهان است (Lisa Miller, Sadia R. Chaudhury, 2008:384)

اندیشمندان برای تحلیل این رشد به عوامل گوناگونی پرداخته‌اند. وبر در تحلیل خود از ادیان آسیایی که یکی از آنها اسلام است، ماهیت رستگار محور ادیان آسیایی را شاخصه مهم اجتماعی آنها دانسته (وبر، ۱۳۹۶: ص ۱۸) و اسلام به عنوان آخرین محصول یکتا پرستی خاور نزدیک را به عنوان یکی از سازگارترین ادیان با جهان پیرامونی معرفی می‌کند (وبر، ۱۳۹۶: ص ۶۷). اسپیزتو نیز معتقد است بسیاری از متفکران اسلامی و غیر اسلامی از اسلام به عنوان سبکی جامع برای زندگی یاد می‌کنند و سیاست اسلامی نیز غالباً در ترکیب دین و سیاست مطرح می‌شود (اسپوزیتو، ۱۳۹۲: ص ۱۸).

اسلام‌خواهی معاصر که مدعی شئون اجتماعی و سیاسی است، دغدغه اندیشمندان سیاسی غرب نیز شده است و برای تحلیل آن موضوع هویت را مطرح می‌کنند. گلنر معتقد است اسلام‌خواهی مدرن را باید از دریچه مدرنیزاسیون و هویت فهمید (فوکویاما به نقل از گلنر، ۱۳۹۸: ص ۷۷) و از همین منظر فوکویاما تحلیل می‌کند که مسلمانان امروزی راه حل مشکل به رسمیت شناخته شدن خود را نه عضو یک ملت شدن بلکه عضویت در یک گروه مذهبی بزرگتر یعنی امارت اسلامی یا جماعتی از مسلمانان می‌دانند (آنچه ما آن را به عنوان امت اسلامی می‌شناسیم) و اسلام به مسلمانان جماعت، پذیرش و کرامت پیشنهاد می‌کند (فوکویاما، ۱۳۹۸: ص ۷۹-۷۷).

وی معتقد است در جوامع غربی مسلمانان به اینکه شما عضوی از یک جماعت باستانی و پرافتخار هستید و جهان خارج به شما به عنوان مسلمانان احترام نمی‌گذارد، تحریک می‌شوند و به آنها نوید داده می‌شود که شما عضوی از جامعه بزرگتر مومنان هستید که نباید ترسی از مسلمان شناخته شدن داشته باشید.

فوکویاما در تحلیل تحركات اجتماعی و سیاسی معتقد است در اوایل قرن نوزدهم جریانات سیاسی به دو سمت حرکت می‌کنند. از یک سو به سمت لیبرال دموکراسی بر پایه آزادی فردی و از سوی دیگر جماعت‌هایی با یک شاخص هویتی مشترک مانند تحركات دینی و اخلاقی و ملیت‌گرایی و قوم‌گرایی که بر پایه اجتماعات و هویت‌های جمعی بزرگ شکل گرفته‌اند. جهان اسلام معاصر نیز به زعم فوکویاما بر پایه هویت جمعی خواهان به رسمیت شناخته شدن موقعیت خاص این دین به عنوان پایه و اساس اجتماع سیاسی است.

باید توجه داشت که سابقه اسلام‌خواهی در امورات اجتماعی و سیاسی از همان ظهور اسلام خود را در تشکیل حاکمیت دینی توسط پیامبر اکرم (ص) در ابتدای هجرت نشان داد و شیوه

اسلامی بودن یک سرزمین بر سیاست دینی آن استوار بود و در طول تاریخ نیز این امر خود را در کشورگشایی مسلمانان و همچنین در جنگهای صلیبی به وضوح نشان می‌دهد. در دوره مدرن اسپوزیتو معتقد است یکی از مسائلی که چهره عمومی سیاست در سرزمین‌های اسلامی را ترسیم می‌کند رابطه میان قدرت احیاگری اسلامی و توسعه نظام‌های سیاسی دموکراتیک است (اسپوزیتو، ۱۳۹۰: ۱۸) اما در واقع مسئله اساسی مسلمانان در دوره مدرن افسارگسیختگی فرهنگ سیاسی سکولاریسم در حکومت‌های جوامع اسلامی بود که مقابله با آن از مصر آغاز و با انقلاب ۱۹۷۹ اسلامی ایران به اوج خود رسید.

مسلمانان خارج از محدوده کشورهای اسلامی تحت حمایت فرهنگی و سیاسی کشورهای مسلمان از جمله ایران و عربستان قرار می‌گیرند. در جنبش‌های اخیر نیز که در کشورهای اسلامی از سال ۲۰۱۰ آغاز گردید و تحت عنوان بهار اسلامی و عربی شناخته می‌شد، شاهد همگرایی مسلمانان دیگر کشورها با ایشان بودیم.

رویکردها و مقاومت‌های اسلام‌خواهانه در کشورهای اروپایی به خصوص فرانسه توسط مهاجرین مسلمان در کنار تولد گروه‌های مسلح اسلامی توسط فوکویاما و برخی اندیشمندان مانند ری^۱ به عنوان یک پدیده اجتماعی نه تنها دینی بلکه هویتی مطرح می‌شود. ایشان تحركات سیاسی و احزاب اسلامی در کشورهای مسلمان و همچنین حضور اجتماعی مسلمانان در کشورهای اروپایی با پوشش اسلامی در قالب نقاب و یا لباس شنای اسلامی را مورد توجه قرار داده و آن را نماد هویتی مسلمانان معرفی می‌کنند و در این رابطه فوکویاما می‌گوید: «حجاب برایشان یک نماد هویتی است و نشانه‌ای از اینکه آنها به فرهنگ خود مفتخرند و بیمی از آن ندارند که در ملاء عام مسلمان شناخته شوند» (فوکویاما، ۱۳۹۸: ۷۸).

یکی از دغدغه‌های اصلی اندیشمندان لیبرال دموکراسی وضعیت مسلمانان در داخل جوامع اروپایی و همگرایی ایشان با همدیگر و جوامع و جنبش‌های اسلامی است و به همین دلیل سیاست هویت را به ضرر و تهدید لیبرال دموکراسی تلقی می‌کنند زیرا هویت‌های چندگانه در این جوامع باعث برهم خوردن نظم عمومی می‌شود.

حال یکی از سؤالات مهم در جوامع مدرن که باید از اندیشمندان پرسید این است که مردم دقیقاً چه کسانی هستند که آزادی و برابری و ارزشها و... که حاکمیت‌های لیبرال دموکرات ضامن اجرای آن هستند باید برای آنان ایجاد شود و به بیان دیگر کدام مردم در جوامع حق مطالبه دارند. برخی ناسیونالیست‌ها مانند هیتلر تعریفی بیولوژیک از ملت‌ها دارند که به عنوان واحدهای بیولوژیکی ایشان را در نظر می‌گیرند اما جهان وطن‌ها معتقدند هویت ملی و حاکمیت دولت‌ها باید از رده خارج شده و نهادهای فراملی ملاک هویت‌یابی قرار گیرند.

۱. Roy

مسئله مهمی که پیر ماننت^۱ بر آن تأکید می‌کند این است که جوامعی که ادعای لیبرال دموکراسی دارند بر شانه مردمی بنا شده که پیش از آن ملت‌هایی با هویت‌های مشخص بوده و نسبتی با دموکراسی نداشته‌اند (فوکویاما، ۱۳۹۸: ۱۳۸) و از طرفی برخی به این جوامع وارد شده‌اند، مانند مهاجران که نسبت نژادی با مردم پیشین ندارند ولی ساکنان این کشورها هستند و البته در حال حاضر شهروند درجه دو محسوب می‌شوند و مشکل زمانی بروز می‌یابد که جنبه‌های هویتی مانع از بهره‌گیری از شاخص‌های عام حکومت‌ها می‌شود؛ مانند مشکلی که حاکمیت در امریکا با سیاهپوستان و یا در اروپا با مسلمانان و مهاجران دارند و به عنوان مسئله‌ای جدی سعی در حل و بیشتر اوقات حذف این هویتها می‌شود.

تجزیه و تحلیل مباحث

تاریخ‌نگاری واژه هویت و بررسی مفهوم آن به عنوان امری اجتماعی از منظر صاحب نظران لزوم بررسی شاخص‌های هویت در اندیشه اجتماعی را می‌رساند. اندیشه هویت اجتماعی از ابتدا تا به امروز چند شاخص دارد که در طی زمان با توجه به رویدادها و سیر تاریخ و اندیشه اجتماعی مطرح شده است. شاخص‌هایی نظیر شباهت و تفاوت، هویت فردی و جمعی، هویت گروهی و دیالکتیک درون و بیرون، پویا و سیال بودن هویت در جریان تولید و بازتولید است.

با ارزیابی نظرات اندیشمندان در شاخص‌های هویت اجتماعی چند موضوع اساسی مطرح می‌شود. این موضوعات محوری برای شاخص‌سازی و مقوله‌بندی هویت‌های اجتماعی شامل هویت‌یابی و معنابخشی، قابلیت پیش‌بینی و مسئله تأیید و کرامت در اندیشه متأخران از جمله جنکینز و فوکویاما و کاستلز مطرح می‌شود. موضوع تأیید یکی از اصلی‌ترین موضوعات هویت اجتماعی است که وبر به عنوان اندیشمند متقدم آن را مطرح می‌کند و می‌توان نشانه‌های آن را در مناسک جمعی دید. همین موضوع در اندیشه متأخر اجتماعی با عنوان مسئله به رسمیت شناخته شدن و اصل مهم کرامت خود را در تحرکات اجتماعی دنیای امروز در قالب تأثیرات هویت بر سیاست در آثار فوکویاما نشان می‌دهد.

سیاست هویت نیز مسئله ایست که در ادامه مباحث مربوط به هویت اجتماعی و هویت جمعی مورد توجه اندیشمندان قرار گرفت. مسئله اساسی جامعه از منظر فوکویاما مسئله به رسمیت شناخته شدن است و به نظر او سیاست هویت پیش‌رانه اصلی بسیج‌های مردمی پس از این خواهد بود. گروه‌های اجتماعی به خصوص گروه‌های دینی و ملی به دنبال به رسمیت شناخته شدن هویت گروهی خود و حفظ و ارتقاء کرامت و منزلت شاخصه‌های هویت جمعی‌شان دست به فعالیتهای اجتماعی و مطالبات سیاسی در قالب جنبشها و انقلابها و تحرکات اجتماعی زدند. این

۱. Pierre Manent

امر واکنشی نسبت به نابرابری ایجاد شده هویتی توسط آزادی‌خواهی فردی در لیبرال دموکراسی‌ها است که نوای چند فرهنگ‌گرایی در گروه‌های چپ را نیز به همراه داشته است.

مسئله اصلی مباحث مربوط به سیاست هویت گروه‌های مذهبی به خصوص مسلمانان در آمریکا و اروپاست و این واقعیت تأثیرگذار بر سیاست مورد ارزیابی و چاره‌اندیشی متفکران از جمله فوکویاما قرار گرفته است اما چند مسئله باید در بررسی مفاهیم اجتماعی اسلامی در نظر گرفته می‌شد که مورد نقد رویکرد فوکویاما نسبت به گرایش به اسلام توسط گروه‌هاست.

مفهوم امت یکی از این مباحث است که یکی از مهم‌ترین واژه‌هایی است که در ادبیات اجتماعی قرآن کریم آمده توشیهیکو درباره واژه امت مینویسد: کلمه امت، کلیدی است برای هر چیز که به فرهنگ اسلامی ارتباط پیدا می‌کند، تولید این واژه در تاریخ اسلام، اهمیت زیادی دارد... قرآن اندیشه تازهای را در خصوص وحدت اجتماعی عرضه کرد و گسترش داد که دیگر بر روابط خویشی و خونی متکی نبود، بلکه از اعتقاد مشترک دینی برمی‌خواست (ایزوتسو، ۱۳۶۱: ۹۶).

فوکویاما باید به عقاید و مفاهیم اجتماعی مسلمانان در برخورد با سیاست‌های کشورهای دقت می‌نمود تا به تحلیل درستی از تحركات هویتی مسلمانان دست یابد. این امر شامل کشورهای اسلامی با سیاست‌های منافی امورات امت و همچنین کشورهای غربی در برخوردهای خشونت‌آمیز و ضد هویتی این کشورها می‌شود. در واقع فوکویاما باید در یک دیالکتیک هویتی مسئله سیاست هویت را در مورد گروه‌های دینی از جمله رویکرد اسلام‌خواهی ارزیابی کند تا به نتیجه و مدل عملیاتی قابل اعمال دست یابد.

نتیجه‌گیری

واژه هویت که حدود ۳۰۰ سال از قدمت آن می‌گذرد در برگرفته دو مفهوم شباهت با خودی و تفاوت با دیگری است که با گذر زمان برای گروه‌ها و جمع‌ها نیز با توجه به اینکه بستر شکل‌گیری هویت در جامعه است، استفاده شد و از آنجا که فرد و جمع به طور عادی در هم تنیده‌اند. واژه هویت اجتماعی مورد توجه قرار گرفت. در مفهوم هویت اجتماعی موضوعات محوری به عنوان تعیین‌کننده چگونگی شکل‌گیری و تداوم هویت اجتماعی وجود دارد که در نهایت منجر به شاخص‌سازی و مقوله‌بندی برای شناخت بهتر این مفهوم می‌شود. موضوعاتی با محوریت هویت‌یابی، معناسازی، سیال بودن و پایداری و قابلیت پیش‌بینی، مسئله تایید و کرامت اهمیت می‌یابد. موضوع تایید یکی از اصلی‌ترین موضوعات هویت اجتماعی است که بر آن را مطرح می‌کند قبل‌تر از آن هگل با عنوان مبارزه برای به رسمیت شناخته شدن آن را به عنوان پیش‌برنده نهایی تاریخ مطرح می‌کند. در اندیشه متأخر نیز با عنوان مسئله به رسمیت شناخته شدن و اصل مهم کرامت خود را در تحركات اجتماعی دنیای امروز در قالب تأثیرات هویت بر سیاست در اندیشه فوکویاما نشان می‌دهد.

موضوع سیاست هویت از دهه ۷۰ در مباحث سیاست فرهنگی در اروپای شرقی مطرح شد که به دنبال سازماندهی عمومی و خصوصی جمع‌ها بوده و از تأثیرگذاری امر هویت بر سیاست نشان دارد. آنچه نتیجه اصلی این بخش از مقاله است با توجه به تاریخچه واژه هویت و هویت اجتماعی و سیاست هویت، نه تنها سیاستها بر هویت فردی و جمعی مؤثر هستند و این دو در یک رابطه متقابل هویت جامعه را سازمان می‌دهند. برخی اندیشمندان معتقدند تحركات مسلمانان و ملی‌گرایی و... در دوره مدرن نتیجه کرامت‌خواهی ایشان است و سیاست هویت پیش‌رانه اصلی بسیج‌های مردمی پس از این خواهد بود و البته این را نتیجه ذبح شدن ارزش برابری در مقابل ارزش آزادی برخی گروه‌های قدرتمند در لیبرال دموکراسی می‌داند. راهکار فوکویاما کم‌رنگ شدن هویت‌های چندگانه به نفع نظم عمومی است.

از این مباحث نتیجه گرفته می‌شود که ارزشهایی مانند آزادی و برابری که اصول اصلی نظام‌های لیبرال دموکرات هستند و اساساً لیبرال دموکراسی بر آنها بنیاد نهاده شده است شعاری به نفع هویت‌های قدرتمندتر هستند و اعتبار آنها به میزان قدرت مردمی است که آن را طلب می‌کنند و جنبه عمومی و سراسری ندارد و این دست ارزشها در هر جامعه بسته به هر هویت معنای خاص خود را می‌گیرد و مصداق آن رفتار دوگانه راجع به یک موضوع توسط سیاست‌های لیبرال دموکراسی است.

در دوره مدرن اسلام به عنوان مبنای سیاست و قانون مورد توجه اقشار مختلف مسلمانان قرار گرفته و یکی از مظاهر سیاست هویت را ایجاد نموده است. نمونه کامل این امر را می‌توان در انقلاب اسلامی ایران نیز مشاهده نمود. این اسلام‌خواهی و بروز هویتی آن نظیر پوشش در جوامع اروپایی و امریکایی دغدغه اندیشمندان شده و تحلیلهای گوناگونی ارائه می‌دهند که لازم است به چند نتیجه برای بررسی برخی تحلیلهای پرداخته شود.

اول آنکه مسئله مسلمانان در دوره مدرن افسار گسیختگی فرهنگ سیاسی سکولاریسم در حکومت‌های جوامع اسلامی است که آنها را به مقابله فراخوانده است. این امر از مصر و در ادامه الجزایر آغاز و در انقلاب اسلامی ایران اوج گرفته و در لباس حمایت‌های فرهنگی مسلمانان در جوامع اروپایی که دچار فراگیری شدید سکولاریسم و در نهایت حذف دین است خود را نشان می‌دهد. بهار اسلامی که در سال ۲۰۱۰ نیز رواج یافت تا حدی نتیجه برخوردهای سکولار حاکمیتها و ظلم ایشان و نادیده گرفتن هویت اسلامی اقشار مختلف بوده است.

دوم آنکه تا حدودی تحلیل فوکویاما از شرایط مسلمانان در اروپا به خصوص فرانسه درست است. به دلیل برخوردهای خصمانه دولت فرانسه با مسلمانان به ویژه بانوان و محرومیت ایشان از تحصیل به دلیل پوشش، مسلمانان فرانسه خواهان به رسمیت شناخته شدن و حفظ هویت دینی با ظواهر آن هستند و کرامت بایسته خود را طلب می‌کنند اما این امر فقط مربوط به جوامع لیبرال

دموکراتیکی است که بر اساس برابری و آزادی با مسلمانان رفتار نمی‌کنند. لذا می‌تواند این کرامت خواهی را مقطعی و بر حسب تغییر قانون ارج نهاد و البته مسئله‌ای درون‌زاست که در سیاست‌های نابرابر در کشورهای اروپایی است. مسئله‌ای که در امریکا در قانون زمان کارتر حل شد و البته مورد انتقاد برخی از اندیشمندان نظیر رالز نیز قرار گرفت.

سوم درست ارزیابی کردن مفهوم امت است. در واقع واژه امت که مسلمان خود را عضوی از آن قلمداد می‌کنند، بزرگترین واحد اجتماعی اسلام است که هر فرد صرف هویت دینی خود ناگزیر عضوی از آن است و در ارتباط متقابل فرد و امت نسبت به یکدیگر مسئولیت دارند. این امر بسیار متفاوت است از تحلیلی است که فوکویاما از تحریک شدن مسلمانان به ورود در یک گروه بزرگتر اسلامی ارائه می‌دهد.

در انتها باید توجه کرد که مسئله هویت و تأثیرات متقابل آن با سیاست ناگزیر است. لازم است جوامع مختلف به شناسایی درست هویتها به خصوص هویت دینی پرداخته و مختصات حضور اجتماعی هویت مسلمین را از نگاه ایشان تحلیل کنند.

کتابنامه

اسپوزیتو، جان. وال، جان (۱۳۹۲) جنبش‌های اسلامی معاصر، ترجمه شجاع احمدوند، تهران: نشر نی.

امیرزاده محمدرضا، بهستانی مجید (۱۳۹۳) بررسی سیاست هویت در دوره معاصر ایران. مجلس و راهبرد، ۲۱(۷۷): ۷۱-۱۰۶.

ایزو، تسو، توشیهیکو (۱۳۶۱) خدا و انسان در قرآن، ترجمه: احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار. جنکینز ریچارد (۱۳۸۱) هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: شیرازه.

الطایبی علی (۱۳۷۸) بحران هویت قومی در ایران. تهران: شادگان.

فوکویاما فرانسیس (۱۳۹۸) هویت، ترجمه رحمن قهرمانپور، تهران: روزنه.

قرلسفلی محمدتقی، شهبوساری محسن (۱۳۹۸) پروبلماتیک ایران: نظریه سیاست هویت در جریان‌های فکری معاصر ایران با تمرکز بر آرای جواد طباطبایی. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۵۶(۱۰۷-۱۳۰).

کاستلز، ایمانوئل (۱۳۸۰) عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (قدرت هویت) ترجمه حسن چاوشیان، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

کالهن، کریج (۱۳۸۹) نظریه‌های اجتماعی و سیاست هویت ترجمه علی محمدزاده، محمد قلی‌پور، تهران: جامعه‌شناسان.

گل محمدی احمد (۱۳۹۶) جهانی شدن فرهنگ هویت. تهران: انتشارات نشر نی.

مولایی، عبدالله (۱۳۸۷) مهاجرت و سیاست هویت اروپایی، سیاست خارجی، شماره ۵۸، ۳۹-

نوجه فلاح، رستم (۱۳۸۳). هویت؛ واقعیتی ثابت یا سیال، مبانی نظری هویت و بحران‌هویت، ترجمه علی‌اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
 وبر، ماکس (۱۳۹۶). جامعه‌شناسی دینی تاریخی- تطبیقی. ترجمه علی‌راغب، تهران: انتشارات حکمت سینا
 ودود حیدری محمد، فریادرس طیب (۱۳۹۴) سیاست هویت از نگاه اسلام با رویکرد جهانی شدن، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ۱۹(۳): ۴۲۱-۴۳۸.

References

- Altaei Ali (999) Ethnic identity crisis in Iran. Tehran: Shadgan(In Persian)
- Amirzadeh Mohammadreza, Behestani Majid (2013) Investigation of identity politics in contemporary Iran. *Majlis and Strategy*, 21st year, number 77, 71-106. (In Persian)
- Calhoun, Carij (2010) Social theories and identity politics, translated by Ali Mohammadzadeh, Mohammad Qalipour, Tehran: Sociologists.
- Castells, Emanuel (2010) Information Age: Economy, Society and Culture (The Power of Identity) Translated by Hasan Chavoshian, Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance. (In Persian)
- Esposito, John. Wall, John. (2012). Contemporary Islamic Movements, translated by Shoja Ahmadvand, Tehran: Nei Publishing. (In Persian)
- Fearon, James. D (1999). *What Is Identity*. New York: Columbia University Press
- Francis Fukuyama (2018) Hoyt, translated by Rahman Kahramanpour, Tehran: Rosenha.
- Gul Mohammadi Ahmed (2016) Globalization of identity culture. Tehran: Nei Publications. (In Persian)
- Horowitz, D. (1985). *Ethnic Groups in Conflict*. Berkeley: University of California Press, pp. 141- 43.
- Izutsu, Toshihiko (1982) God and Man in the Qur'an, translated by: Ahmad Aram, Tehran: Publishing Company.
- Jacobson, J. (1998). *Islam in Transition*. London: Routledge.
- Mead, G. (1964). Mind, Self and Society. *Social Psychology*, 115-284 Chicago University of Chicago Press.
- Moulai, Abdullah (2007) Migration and European Identity Policy, *Foreign Policy*, No. 58, 39-66(In Persian)
- Noche Fallah, Rostam (2004). identity; Fixed or fluid reality, theoretical foundations of identity and identity crisis, translated by Ali Akbar Alikhani, Tehran: University Jihad Humanities and Social Sciences Research Institute. (In Persian)
- Qazlsafli Mohammad Taghi, Shahsawari Mohsen (2018) Problematic Iran: The theory of identity politics in contemporary Iranian intellectual currents with

- a focus on the opinions of Javad Tabatabai. *Journal of Political Science*, No. 56, 107-130(In Persian)
- Richard Jenkins (2001) *social identity*, translated by Toraj Yarahamdi, Tehran: Shirazeh.
- Rorty, R (1991). *The priority of democracy to philosophy*. In *Objectivity, Relativism, and Truth: Philosophical Papers*, edited by Richard Rorty, 175-96.
- Sadia R. Chaudhury & Lisa Miller. (2008). Religious Identity Formation Among Bangladeshi American Muslim Adolescents. *Journal of Adolescent Research*, 23.
- Tajfel, h. (1978). *Social Categorization, Social Identity and Social Comparison*. london: academic press.
- Vadod Heydari Mohammad, Faryadars Tayyeb (2014) Identity politics from the perspective of Islam with the approach of globalization, epistemological studies in Islamic University, period: 19 - number: 3 - page: 438-421(In Persian)
- Weber, Max (2016). *Historical-comparative religious sociology*. Translated by Ali Ragheb, Tehran: Hekmat Sina Publications